

وضعیت فقهی و حقوقی

استفاده از رحم جایگزین

- مهدی علیزاده^۱
- پژوهشگر و کارشناس ارشد حقوق خصوصی

چکیده

پیشرفتهای دانش پزشکی در روشهای نوین «باروری» باعث شده تا دگرگونیهای متفاوتی در فرایند تولید مثل انسان پدیدار شود. به موازات توانایی بهره‌گیری از این روشها در علوم تجربی، مسائل پیچیده و جدید دیگری نیز در رشته‌های علوم انسانی مانند روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، فلسفه، فقه و حقوق ایجاد شده است که ضرورت دارد تا متخصصان این دانشها به آنها پردازند و آثار استفاده از این روشها را بر پایه مبانی خود، مطالعه و ارزیابی کنند و راهکارهای متناسب با آنها را ارائه دهند.

بنا به فتاوی و استدلالهای فقهی‌ای که درباره جواز و عدم جواز جانشینی در بارداری مطرح است، این امکان برای قانونگذار ایران وجود دارد که به جواز یا عدم جواز این گونه جانشینی حکم کند؛ بنابراین، بر پایه مبانی نظام حقوقی ایران، حکم به جواز استفاده از رحم جایگزین در صورتی که دارای

مقدمات حرام نباشد، می تواند امری باشد که مغایر با موازین شرع به شمار نرود. علاوه بر آنکه اگر مادر جانشین، زنی مجرد باشد و با ایجاد عقد نکاح غیر دائم بین مرد صاحب اسپرم با زن ثالث (مادر جانشین) رابطه زناشویی برقرار شود، بین فتاوی فقها در جواز استفاده از رحم جایگزین، یکنواختی ایجاد می شود و زمینه قانونگذاری درباره حکم به جواز آن بیشتر فراهم می گردد.

کلید واژگان: رحم جایگزین، جانشینی در بارداری، روشهای تولید مثل کمکی، باروری کمکی، باروری مصنوعی.

طرح مسئله

پیشرفت دانش پزشکی در ابعاد مختلف، زندگی بشر را با تحولات گسترده بسیاری روبه رو ساخته است. پیشرفتهای این دانش در روشهای نوین «باروری»، باعث شده است تا دگرگونیهای متفاوتی در فرایند تولید مثل انسان پدید آید و چنین فرایندی، دارای ساختارهای کمکی پیچیده و شیوههای جدید متنوعی شود.

تنوع ساختارهای جدید باروری، گسترههایی را فراهم ساخته است تا از نظر دانش پزشکی، مشکل ناباروری و عدم برخورداری از فرزند در زوجهای نابارور برطرف شود، اما به موازات توانایی بهره گیری از این روشها در علوم تجربی، مسائل پیچیده و جدید دیگری نیز در رشته های علوم انسانی، همچون روان شناسی، جامعه شناسی، فلسفه، فقه و حقوق پدید می آید که ضرورت دارد متخصصان این دانشها به آنها پردازند و آثار استفاده از این روشها را بر پایه مبانی خود، مطالعه و ارزیابی کنند و راهکارهای متناسب با آنها را ارائه دهند.

روشهای باروری کمکی مختلف است؛ از این رو، دست یابی به حکم فقهی و حقوقی واحدی که همه آنها را به طور یکسان دربرگیرد، دشوار یا ناممکن است؛ بنابراین، گزیری نیست جز آنکه هر یک از این روشها به شکلی مجزا بررسی و حکمی متناسب برای روش یا روشهای مشابه استنباط شود.

در این نوشتار، از میان شیوه های متفاوت باروری کمکی، تنها شیوه «استفاده از رحم جایگزین» بررسی می شود.

موضوع‌شناسی استفاده از رحم جایگزین

مباحثی مانند مفهوم استفاده از رحم جایگزین و تقسیمات آن، در شمار اموری است که می‌تواند چنین موضوعی را برای بررسی حکم آن تبیین کند.

مفهوم استفاده از رحم جایگزین

تعاریفی برای استفاده از رحم جایگزین و به بیانی دیگر، «جانشینی در بارداری»^۱ ارائه شده است (جعفرزاده، ۱۳۷۸: ۲؛ آخوندی و محمدرضا صادقی، ۱۳۸۰: ۳۳؛ نایب‌زاده، ۱۳۸۰: ۸۲)؛ برای مثال، برخی آن را چنین تعریف کرده‌اند:

قراردادی [است] که به موجب آن، یک زن (مادر جانشین) در مقابل یک زوج ازدواج کرده (والدین حکمی)^۲ موافقت می‌کند که جنینی را برای آنها حمل کرده، بچه را به دنیا آورد و او را به مجرد تولد به آن زوج تسلیم نماید و آنها بچه را مثل فرزند خودشان بزرگ کنند (نایب‌زاده، ۱۳۸۰: ۸۲).

تعاریف بیان شده در این باره بسیار سودمند و تبیین‌کننده عناصری از این موضوع است، اما به دور از ایراد نیست؛ برای مثال، تعریف فوق مانع نیست؛ چراکه بارداری مادر جانشین با تخمک خویش را نیز دربردارد، حال آنکه اگر زنی با تخمک و رحم خود بارور شود، بدون هیچ اختلافی، مادر اصلی به شمار می‌آید؛ بنابراین، اطلاق مادر جانشین بر چنین زنی و همچنین اطلاق رحم جایگزین بر این رحم صادق نیست و دیگر آنکه به جای بررسی موضوع استفاده از رحم جایگزین باید موضوع هبه یا فروش تخمک یا فرزند از سوی مادر نسبی را طرح و بررسی کرد. همچنین این تعریف به استفاده از روشهای باروری کمکی که دارای احکام خاصی است، اشاره‌ای ندارد. پس ضرورت دارد با بهره‌مندی از این تعاریف و توجه

۱. Gestational surrogacy.

۲. «والدین حکمی» (Commissioning couple) زن و شوهری‌اند که خواستار فرزند هستند و مادر جانشین، بچه‌ای را که از نظر ژنتیکی مرتبط به آنهاست، برای آنها حمل کرده، به دنیا می‌آورد (نایب‌زاده، ۱۳۸۰: ۲۲). باید گفت، کاربرد اصطلاح «والدین حکمی» درباره‌ی زوج نابارور در صورتی که اسپرم و تخمک متعلق به آنها باشد، اصطلاح مناسبی نیست؛ چراکه این مرد به اتفاق فقها و حقوقدانان، و همسر نابارور وی به نظر اکثر فقها، هر دو، پدر و مادر واقعی و نسبی چنین فرزندی به شمار می‌روند.

به مباحث دیگر، تعریف بهتری برای استفاده از رحم جایگزین یا جانشینی در بارداری ارائه کرد: جانشینی در بارداری توافقی است که بر پایه آن، زنی (مادر جانشین)^۱ می‌پذیرد تا با روشهای کمکی تولید مثل و استفاده از اسپرم و تخمک والدین حکمی یا اشخاص ثالث که در آزمایشگاه بارور شده و یا به جنین تبدیل شده، باردار شود و در حالی که ارتباط ژنتیکی با فرزند ندارد، فرزند ناشی از آن تخمک بارور شده یا به جنین تبدیل شده را حمل کند و پس از تولد، او را به زوج طرف توافق (والدین حکمی یا متقاضی)^۲ تحویل دهد.

تقسیمات استفاده از رحم جایگزین

استفاده از رحم جایگزین در فرایند تولید مثل را بر پایه مقسمهای متفاوت مانند وجود یا عدم وجود ارتباط ژنتیکی بین والدین و فرزند، کیفیت قرارداد یا آثار آن، می‌توان به چند قسم تقسیم کرد؛ برای مثال، جانشینی در بارداری را بر پایه وجود یا عدم وجود ارتباط ژنتیکی مادر جانشین (زن ثالث) و والدین، اعم از حکمی یا متقاضی با جنین، به سه دسته تقسیم کرده‌اند (نایب‌زاده، ۱۳۸۰: ۷۹).

الف) جانشینی در بارداری

مادر جانشین که در این حالت به او «جانشین کامل»^۳ نیز اطلاق می‌شود، با بچه هیچ ارتباط ژنتیکی ندارد و او تنها به موجب توافق جانشینی در بارداری،^۴ اعم از آنکه تجاری یا غیر تجاری باشد، تخمک بارور شده یا جنین رشد یافته در خارج رحم^۵ را که متشکل از اسپرم و تخمک والدین حکمی است و با استفاده از روشهای کمکی

۱. Surrogate mother.

۲. «والدین متقاضی یا اجتماعی» (Intendent couple, Social couple) زن و شوهری‌اند که خواستار فرزند هستند و مادر جانشین، بچه‌ای را که با آنها ارتباط ژنتیکی ندارد، برای آنها حمل کرده، به دنیا می‌آورد (همان).

۳. Total surrogacy.

۴. Surrogacy agreement.

۵. لقاح خارج رحم (IVF): در این شیوه از درمان ناباروری، تخمک بالغ به طریقه جراحی از تخمدان برداشته می‌شود و در محیط آزمایشگاه در مجاورت اسپرم لقاح می‌یابد. جنین حاصل در مرحله هشت سلولی یا پیشرفته‌تر، مجدداً به رحم مادر منتقل می‌شود (آخوندی و محمدرضا صادقی، ۱۳۸۰: ۳۸).

تولید مثل به وی منتقل گردیده و باردار شده است، حمل می کند (نایب‌زاده، ۱۳۸۰: ۷۹؛ آخوندی و محمدرضا صادقی، ۱۳۸۰: ۳۳).

این قسم در مقایسه با اقسام دیگر، رواج بیشتری دارد و عمده بحث مجامع حقوقی و قضایی در استفاده از رحم جایگزین بر پایه این قسم است.

ب) جانشینی با باروری مصنوعی^۱

قسم دیگر مطرح شده در جانشینی بارداری، جانشینی با باروری مصنوعی است. در این قسم، تخمک مادر جانشین با اسپرم مرد که پدر حکمی به شمار می‌رود، بارور می‌شود و مادر جانشین، تخمک بارور شده خود با اسپرم پدر حکمی را حمل می‌کند؛ بنابراین، مادر جانشین (مادر جانشین جزئی)^۲ و همچنین پدر حکمی با بچه ارتباط ژنتیکی خواهند داشت؛ چرا که تخمک مادر جانشین با استفاده از لقاح داخل رحمی^۳ یا خارج رحمی با اسپرم مرد بارور می‌شود و مادر جانشین، جنین حاصل از تخمک خود را که با اسپرم پدر حکمی بارور شده است، حمل می‌کند و همسر زوج نابارور، مادر متقاضی به شمار خواهد رفت و هیچ ارتباط ژنتیکی با بچه نخواهد داشت و در صورت تحویل فرزند به او، رابطه بین آنها از نوع فرزندخواندگی است.

به نظر می‌رسد قسم مزبور، داخل در بحث استفاده از رحم جایگزین نیست؛ چرا که در این قسم، زن، صاحب تخمک و رحم و مادر اصلی فرزند است؛ بنابراین، اطلاق مادر جانشین بر چنین زنی و همچنین اطلاق رحم جایگزین بر این رحم صادق نیست و باید به جای بررسی موضوع استفاده از رحم جایگزین، موضوع هبه یا فروش تخمک یا فرزند از سوی مادر نسبی را طرح و بررسی کرد. نتیجه اینکه چنین قسمی تخصصاً از بحث جانشینی در بارداری خارج است و پرداختن به آن در اینجا جایگاهی ندارد.

۱. Artificial insemination surrogacy.

۲. Partial surrogacy.

۳. باروری مصنوعی (IUI): در این شیوه از درمان، اسپرم پس از گرفته شدن، شست‌وشو و آماده‌سازی، مستقیماً به داخل رحم تزریق می‌شود (همان).

ج) جانشینی با استفاده از تخمک یا جنین اهدایی

این شیوه بر پایه ارتباطی سه گانه میان والدین متقاضی، زوج یا اشخاص ثالث صاحب اسپرم و تخمک یا جنین و مادر جانشین استوار است؛ بدین گونه که زن و شوهر نابارور (والدین متقاضی) از تخمک یا جنین اهدایی والدین حکمی (اشخاص ثالث) برای باروری مادر جانشین استفاده می کنند؛ بنابراین، این قسم با نظر به استفاده زوج نابارور از تخمک بارور شده یا جنین اهدایی، به دو قسم قابل تقسیم است:

۱. جانشینی با استفاده از جنین اهدایی^۱

مادر جانشین و زوج نابارور (والدین متقاضی) در این قسم، هیچ ارتباط ژنتیکی با بچه ندارند؛ چرا که ابتدا اسپرم و تخمکی از زوجهای دیگر یا مردان و زنان ثالثی که از یکدیگر بیگانه اند، تهیه و در آزمایشگاه بارور می شود و سپس تخمک بارور شده، رشد داده می شود تا آنکه به جنین تبدیل می شود، سپس جنین بر مبنای قراردادی بین والدین متقاضی با مادر جانشین به رحم وی منتقل می گردد. سرانجام، مادر جانشین پس از حمل و زایمان، آن را به والدین متقاضی تحویل می دهد. استفاده از این قسم در استفاده از رحم جایگزین، رواج و توجیه زیادی ندارد، اما احتمال و امکان استفاده از این شیوه وجود دارد و داخل بودن آن در موضوع بحث ممکن است.

۲. جانشینی با استفاده از تخمک اهدایی^۲

مادر جانشین و مادر متقاضی در این قسم، ارتباط ژنتیکی با بچه ندارند؛ چرا که تخمک اهدایی از سوی زن ثالث با اسپرم پدر حکمی بارور می شود، سپس جنین تخمک بارور شده ای با استفاده از روشهای باروری کمکی در رحم مادر جانشین کشت می شود. استفاده از این قسم نیز در استفاده از رحم جایگزین رایج نیست و توجیه زیادی ندارد، اما احتمال و امکان استفاده از این شیوه وجود دارد و داخل بودن آن در موضوع بحث نیز ممکن است.

۱. Embryo donation surrogacy.

۲. Egg donation surrogacy.

مشروعیت یا عدم مشروعیت جانشینی از بارداری

برای آنکه توافق و رابطه بین والدین حکمی با مادر جانشین در موضوع استفاده از رحم جایگزین، در شمار وقایع حقوقی شمرده شود و به گونه‌ای باشد که اثر یا آثار حقوقی‌ای را برای طرفهای مرتبط با آن ایجاد کند، ضرورت دارد قانونگذار نخست، سبب و فرایند چنین پدیده‌ای را با مبانی نظام خود بررسی و مشخص کند که آیا این گونه بهره‌وری از رحم بر پایه نظام مزبور، شرایط وقایع حقوقی را دارد و ممکن است در شمار آنها شمرده شود یا نه؟ و در صورت مثبت بودن پاسخ، نوع و چگونگی آن را تعیین کند (کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۱/۱؛ امیری قائم‌مقامی، ۱۳۷۸: ۱۳۹/۱).

چنین امری تاکنون در قوانین ایران تحقق نیافته است و از سوی قانونگذار ایران، قانون خاصی که به موضوع جانشینی در بارداری اختصاص یافته باشد و چگونگی آن را تبیین کرده باشد، تصویب یا تدوین نگردیده است و رأی وحدت رویه‌ای نیز در این باره وجود ندارد؛ بنابراین، برای تعیین وضعیت حقوقی چنین قراردادی بر پایه نظام حقوقی ایران، گزیری نیست جز آنکه از قواعد عمومی قراردادها و دیگر قوانین متناسب با این موضوع، مانند قانون نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور مصوب تیرماه ۱۳۸۲ ش. استفاده کرد و از آنها بهره برد.

برای چنین هدفی ابتدا می‌توان از تعریف جانشینی در بارداری که مبین موضوع شناسی آن است، بهره برد. این تعریف، بیانگر آن است که استفاده از رحم جایگزین پدیده‌ای است که در اثر اراده چند شخص و توافق اراده آنها با یکدیگر به وجود می‌آید؛ از این رو، قسم «عقود» از «اعمال حقوقی» گستره مناسبی است که بتوان سبب و شرایط پدیده جانشینی در بارداری در آن مورد بررسی قرار داد و با تبیین وضعیت حقوق ایران در این باره و در صورت فراهم بودن شرایط لازم، نوع آن را نیز تعیین کرد.

طبق ماده ۱۹۰ ق.م. شرایطی مانند «قصد طرفین و رضای آنها»، «اهلیت طرفین»، «موضوع معین که مورد معامله باشد» و «مشروعیت جهت معامله» برای صحت هر معامله یا قراردادی اساسی است. چنین شرایطی جای بررسی دارد، اما بحث مهم و

اصلی در این نوشتار، شرایط موضوع معامله است؛ چراکه مورد معامله یا موضوع قرارداد جانشینی در بارداری، از نظر فقهی (علامه حلی، ۱۴۱۳: ۲۲/۲؛ محقق ثانی، ۱۴۰۸: ۹۲/۴) و طبق ماده ۲۱۵ و ۹۷۵ ق.م.ا^۱ باید «متضمن منفعت عقلایی مشروع» و غیر منافی با «اخلاق حسنه» باشد. این موضوع موجب می‌شود تا بررسی شرط مشروعیت موضوع قرارداد در چنین قراردادهایی به دلیل جدید بودن آنها، اهمیت ویژه پیدا کند و بررسی آن نسبت به دیگر شرایط صحت قراردادها تقدم یابد؛ چراکه اگر مشخص شود که موضوع این گونه قراردادهای نامشروع و فاقد چنین شرطی است، بررسی دیگر شروط و درستی یا نادرستی آنها نتیجه‌ای را در بر نخواهد داشت.

قانون ایران درباره مشروعیت یا عدم مشروعیت موضوع جانشینی در بارداری سکوت کرده و حکم آن را تعیین نکرده است. پس باید با استناد به اصل ۱۶۷ قانون اساسی^۲ و ماده ۳ آیین دادرسی مدنی،^۳ حکم مشروع یا نامشروع بودن موضوع چنین قراردادهایی را در منابع فقهی معتبر یا فتاوی معتبر جست‌وجو کرد.

حکم مشروع یا نامشروع بودن قسمتهای مختلف جانشینی در بارداری و مراحل هریک از قسمتها با یکدیگر یکسان نیست. حال، هر یک را به ترتیب بررسی می‌کنیم:

۱. «مورد معامله باید مالیت داشته و متضمن منفعت عقلایی مشروع باشد» (ماده ۲۱۵ ق.م.ا)، «محکمه نمی‌تواند قوانین خارجی و یا قراردادهای خصوصی را که برخلاف اخلاق حسنه بوده و یا به واسطه جریحه‌دار کردن احساسات جامعه یا به علت دیگر، مخالف با نظم عمومی محسوب می‌شود، به موقع اجرا گذارد؛ اگرچه اجرای قوانین مزبور اصولاً مجاز باشد» (ماده ۹۷۵ ق.م.ا).

۲. «قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد، با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر، حکم قضیه را صادر نماید و نمی‌تواند به بهانه سکوت یا نقض یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه، از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد» (اصل ۱۶۷ قانون اساسی).

۳. «قضات دادگاهها موظف‌اند موافق قوانین به دعوی رسیدگی کرده، حکم مقتضی صادر و یا فصل خصومت نمایند. در صورتی که قوانین موضوعه، کامل یا صریح نبوده یا متعارض باشند یا اصلاً قانونی در قضیه مطروحه وجود نداشته باشد، با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر و اصول حقوقی که مغایر با موازین شرعی نباشد، حکم قضیه را صادر نمایند و نمی‌توانند به بهانه سکوت یا نقض یا اجمال یا تعارض قوانین، از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزند».

الف) حکم جانشینی در بارداری

این قسم جانشینی در بارداری از دو مرحله جمع آوری اسپرم و تخمک زوج نابارور و بارور کردن آنها با یکدیگر و همچنین بارور کردن رحم مادر جانشین با تخمک مزبور یا جنین حاصل از آن، تشکیل می‌شود. مرحله نخست آن، یعنی نفس عمل جمع آوری اسپرم و تخمک از زوج نابارور در صورتی که دارای مقدمات حرامی مانند نگاه، لمس نامحرم و خودارضایی نباشد و همچنین بارور کردن تخمک زن با اسپرم همسرش در داخل یا خارج رحم، از نظر فقهی منعی ندارد و در منابع فقهی، دلیلی بر عدم مشروعیت آنها نیست (مؤمن، ۱۴۱۵: ۸۰ و ۹۱؛ روحانی، ۱۴۱۴: ۵؛ خرازی، ۱۴۲۳: ۲۴۴/۱ و ۱۷۳)؛ در نتیجه، فقها نیز بنا به نبود وجود دلیل بر حرمت و با استناد به اصل اباحه، آن را جایز دانسته و فتوایی بر حرمت آنها ندارند (موسوی خمینی، بی‌تا: ۶۲۱/۲؛ خویی، ۱۴۱۰: ۴۲۷/۱؛ سیستانی، ۱۴۱۶: ۴۵۹/۱). قانون «نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور» نیز بر جواز قانونی باروری تخمک زن با اسپرم همسرش در خارج از رحم اشاره دارد. ماده ۱ این قانون بیان می‌کند:

به موجب این قانون، کلیه مراکز تخصصی درمان ناباروری ذی صلاح مجاز خواهند بود با رعایت ضوابط شرعی و شرایط مندرج در این قانون، نسبت به انتقال جنینهای حاصله از تلقیح خارج از رحم زوجهای قانونی و شرعی پس از موافقت کتبی زوجین صاحب جنین به رحم زنانی که پس از ازدواج و انجام اقدامات پزشکی، ناباروری آنها (هر یک به تنهایی یا هر دو) به اثبات رسیده، اقدام نمایند.

بنابراین، این مرحله از نظر شرعی و قانونی منعی ندارد.

اما مرحله دوم آن، یعنی بارور کردن رحم زن دومی با تخمک بارور شده یا جنین رشد یافته از آن، بدون وجود رابطه زناشویی بین مرد صاحب اسپرم و زن صاحب رحم جانشین، این گونه نیست و دیدگاههای فقهی و فتاوی در جواز^۱

۱. حضرات آیات، سیدعلی خامنه‌ای (۱۴۱۵: ۷۰/۲)، ناصر مکارم شیرازی، لطف‌الله صافی گلپایگانی، عبدالکریم موسوی اردبیلی، یوسف صانعی و همچنین مرکز مطالعات اخلاق پزشکی مجمع فقه اهل بیت (استفتائات و دیدگاههای مذهبی، روشهای نوین تولید مثل انسانی از دیدگاه فقه و حقوق: ۳۹۵ و ۳۹۸) در شمار قانونان به جواز هستند.

و عدم جواز^۱ آن وجود دارد. اینکه کدام یک از این دو قسم فتاوی با ساختار منابع و اصول فقهی موافق تر و با حکم واقعی مطابق است، امری درون فقهی است و بررسی تفصیلی آنها نوشتار دیگری را اقتضا دارد، اما در این نوشتار، به اختصار و در حدّ ضرورت به مباحثی از آنها برای تنویر بیشتر بحث پرداخته می‌شود.

منابع فقهی، بیشتر به باروری مصنوعی اختصاص دارد و موضوع جانشینی در بارداری در آنها کمتر مطرح و بررسی شده است. در میان استفتائات نیز فقط چند استفتاست که به نفس جانشینی در بارداری پرداخته و در آنها نیز به طور معمول، فقط حکم موضوع بیان شده است، بی‌آنکه دلایل حکم در آنها بررسی شود. اما به نظر می‌رسد برخی از مباحث مطرح در باروری کمکی زن با اسپرم مرد بیگانه، دربارهٔ مرحلهٔ دوم جانشینی در بارداری نیز مورد استناد قرار گرفته است؛ بنابراین، فقهاییی که حکم به عدم جواز استفاده از رحم جایگزین بدون وجود رابطهٔ زناشویی می‌کنند، احتمالاً به یک یا چند دلیل از دلایل زیر استناد کرده‌اند:

۱. وجوب حفظ فروج

فقاها برای استنباط حکم وجوب حفظ فروج به آیات چندی (مؤمنون/ ۵-۶؛ معارج/ ۲۹-۳۱) استناد می‌کنند. در میان این آیات، آیهٔ «قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ»^۲ آیهٔ مناسب‌تری است که در این باره به آن استناد می‌شود. عبارت «يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ»، بر این دلالت دارد که زنان با ایمان، فروج خود را حفظ و نگهداری کنند. ساختار امری آیه، بر وجوب چنین عملی از سوی زنان با ایمان دلالت دارد. از سوی دیگر، متعلّق این امر نیز محذوف است و بیان نشده است که زنان، فروج خود را باید از چه اموری حفظ کنند. اما با توجّه به قاعده‌ای که حذف متعلّق را مفید عموم برشمرده است، می‌توان گفت، زنان با ایمان باید فروج خود را از هر عملی که با حفظ آن منافات دارد، حفظ کنند.

۱. حضرات آیات، سیدابوالقاسم خویی، جواد تبریزی (۱۴۱۶: ۲۶۹/۳)، سیدعلی سیستانی و فاضل لنکرانی (استفتائات و دیدگاه‌های مذهبی، ۱۳۸۰: ۳۹۴) از قائلان به عدم جواز هستند.

۲. «و به زنان با ایمان بگو: چشمهای خود را (از نگاه به نامحرمان) فروگیرند و فروج خود را حفظ کنند...» (نور/ ۳۱).

کرد:

ایرادهایی بر این استدلال وارد شده است؛ برای نمونه می‌توان به ایراد زیر اشاره

مقصود از حفظ عضو یادشده، حفظ آن از دیگران است، نه حفظ از هر چیزی؛ بنابراین، ریختن منی مرد نامحرم در رحم زن، توسط خود زن یا با وسیله مصنوعی را شامل نمی‌شود. علاوه بر اینکه چه بسا مقصود از حفظ، تنها حفظ از نگاه دیگران باشد، چنان که روایت ابوبصیر از امام صادق علیه السلام بر همین مطلب دلالت دارد (حرم‌پناهی، ۱۳۷۶: ۱۳۶).

به نظر می‌رسد علاوه بر اشکال فوق، می‌توان ایراد دیگری را که به نوعی بر اشکال پیشین نیز تقدّم دارد، به استدلال «وجوب حفظ فروج» وارد کرد. ایراد این است که استدلال به حکم وجوب حفظ فروج از اعمال منافی با آن، مستلزم آن است که ابتدا منافی بودن باروری رحم جایگزین با استفاده از تخمک بارور شده یا جنین رشدیافته در آزمایشگاه با دلیل یا دلایل دیگری اثبات شود. پس از چنین استنباطی می‌توان به حکم وجوب حفظ فروج برای حفظ فرج مادر جانشین از این عمل منافی استدلال کرد، حال آنکه بحث در منافی یا غیرمنافی بودن این گونه عمل باروری است و اگر مشخص شود که دلیلی بر منافی بودن این عمل وجود ندارد، دیگر حفظ فرج از چنین عملی معنا ندارد و در گستره حکم وجوب حفظ فروج داخل نیست.

۲. حرمت باروری زن با نطفه مرد بیگانه

حرمت باروری زن با نطفه مرد بیگانه، نزد اکثر فقها پذیرفته شده است. فقها به روایتهای چندی برای استنباط چنین حکمی استناد می‌کنند.^۱ روایت علی بن سالم در شمار این روایتهاست. وی از حضرت صادق علیه السلام نقل کرده است:

إِنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَذَابًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ رَجُلٌ أَقْرَبَ نُطْفَتَهُ فِي رَحِمٍ يَحْرَمُ عَلَيْهِ (حزّ عاملی، بی‌تا: ۲۳۹/۱۴)؛ شدیدترین عذاب در روز قیامت، عذاب مردی است که نطفه خود را در رحم زنی که نسبت به او حرام است، بریزد.

روایت بر این دلالت دارد که قرار دادن نطفه مرد در رحم زنی که بر وی حلال

۱. برای مثال می‌توان به روایت فقیه، روایت اسحاق بن عمار، روایت محمد بن سنان، روایت احمد بن علی بن ابی طالب طبرسی، صحیحۃ شعیب حدّاد اشاره کرد (حرم‌پناهی، ۱۳۷۶: ۱۳۶؛ مؤمن، ۱۴۱۵: ۷۹).

نیست، جایز نمی‌باشد. این عمل، در اغلب موارد، به صورت مباشرت از سوی مرد انجام می‌گیرد، اما اطلاق «أقرّ» به گونه‌ای است که قراردادن توأم با مباشرت و بدون مباشرت مرد را دربرمی‌گیرد.

برخی به سند روایت اشکال وارد کرده‌اند. با فرض آنکه سند روایت بر پایه دانشهای درایه و رجال معتبر باشد، آنچه در موضوع جانشینی در بارداری مطرح می‌باشد، این است که مادر جانشین در این گونه جانشینی، با استفاده از تخمک بارور شده (یعنی سلول جنسی‌ای که از اسپرم مرد و تخمک زن در آزمایشگاه ترکیب یافته یا جنین رشد یافته آن) باردار می‌شود. بدین ترتیب، ممکن است شبهه موضوعیه‌ای پدید آید که جای تأمل دارد و آن، اینکه آیا این تخمک بارور شده، به ویژه اگر تبدیل به جنین شود، داخل در مفهوم نطفه است یا نه؟ چرا که پزشکان به عنوان افراد متخصص و عرف خاص، بین اسپرم، تخمک، تخمک باور شده و جنین تفاوت قائل‌اند (آخوندی و محمدرضا صادقی، ۱۳۸۰: ۳۶).

بدیهی است واژه‌های «نطفه» یا «ماء» موجود در روایت مذکور و مانند آن که به عنوان دلایل «حرمت باروری زن با نطفه مرد بیگانه» مطرح شده است، با قرینه انتصاب فعلهای «أقرّ»، «أفرغ» یا «یضع» و همچنین اضافه «نطفه» یا «ماء» به مرد یا ضمیری که به وی بازمی‌گردد، اسپرم مرد را به صراحت دربرمی‌گیرد. اما اینکه چنین روایاتی، تخمک بارور شده و به ویژه جنین رشد یافته در آزمایشگاه را نیز شامل می‌شود، روشن نیست. در نتیجه نسبت به اینکه تخمک بارور شده و جنین رشد یافته در آزمایشگاه داخل در مفهوم «نطفه» یا «ماء» مورد نظر در این روایتها باشد، شبهه موضوعیه وجود دارد. به نظر می‌رسد «نطفه» یا «ماء» مطرح شده در روایات با توجه به عرف خاص (پزشکان) و قرینه‌های کلامی و مقامی موجود در روایات، تخمک بارور شده با اسپرم و جنین رشد یافته در آزمایشگاه را شامل نشود و هنگامی که این استدلال پذیرفته شود، حکم حرمت حاصل از روایات، این دو مورد را شامل نمی‌شود؛ در نتیجه، باروری مادر جانشین با تخمک بارور شده یا جنین، تخصصاً از گستره حکم حرمت مزبور خارج خواهد بود؛ برای مثال، آیه‌الله صافی گلپایگانی با اینکه باروری زن بیگانه با نطفه مرد بیگانه را جایز نمی‌داند (همان: ۴۰۲)،

جانیشینی در بارداری را جایز دانسته است (همان: ۴۰۰).

تصویب قانون نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور از سوی مجلس شورای اسلامی و تأیید آن از سوی شورای نگهبان نیز می‌تواند مؤیدی باشد بر اینکه چنین اشکالی حداقل درباره جنین، پذیرفته شده است و حکم حرمت روایات، اهدای جنین را شامل نمی‌شود.

۳. مغایرت این عمل با اغراض تشریح ازدواج

برخی از فقها بر این عقیده‌اند با اینکه ظواهر آیات و روایات بر منع باروری مصنوعی زن با اسپرم مرد بیگانه دلالت ندارد، از لحن الخطاب، ذوق فقهی، مفاهیم ادله و بعضی مناطقی آنها و همچنین به دلیل از بین رفتن مصالح مهم و اغراض تشریح ازدواج استنباط می‌شود که استفاده از این گونه باروری مصنوعی جایز نیست؛ برای مثال، مرحوم میلانی بیان می‌کند:

از ظواهر آیات و روایات درباره لقاح اختیاری (مصنوعی) چیزی به نظر نرسیده، ولی از لحن الخطاب و ذوق فقهی می‌توان گفت که یقیناً جایز نیست (جعفرزاده، ۱۳۷۵: ۲).

یا آیه‌الله صافی گلپایگانی در این باره چنین بیان می‌کند:

البته توالد و تناسل زن و شوهر با وسایل صناعی، بدون ارتباط نزدیک و معمول با یکدیگر، بلاشک، بی‌اشکال است، مگر آنکه احد الطرفین راضی نباشد و خواستار جریان طبیعی و عادی آن باشد.

اما اگر هر دو اجنبی باشند، اعم از اینکه زن شوهر داشته باشد یا نداشته باشد، می‌توان گفت: [حکم به جواز آن، خلاف غرض تشریح ازدواج است؛ چراکه] غرض شارع از تشریح ازدواج و حرمت زنا و اشباع غریزه جنسی با وسایل محرّم دیگر یا لااقل یکی از اغراض مهم، این است که تشریحات تقویت می‌شود و [حال آنکه با حکم به جواز این گونه باروری] نظام عائله و بسیاری از مصالح که در نظام اسلام، مطلوب و مهمّ این [امر] است، مختل می‌گردد و این مصالح که همه مقصود شارع است و در مسیر مستقیم زندگی سالم فرد و اجتماع قرار دارد، از بین می‌رود (آخوندی و محمدرضا صادقی، ۱۳۸۰: ۴۰۲).

به نظر می‌رسد استدلال به لحن خطاب و ذوق فقهی در فقه با مبانی اصول فقه

منطبق نباشد؛ چراکه برای حکم به وجوب یا حرمت یک موضوع به وجود دلیل یا دلایلی از منابع معتبر مانند کتاب، سنت، اجماع کاشف از رأی معصوم علیه السلام، عقل و بنای عقلا نیاز است و وقتی دلیلی از این قسم وجود نداشت، نمی توان به وجوب یا حرمت آن حکم کرد.

بعلاوه، مغایرت با اغراض تشریح ازدواج نیز نسبت به استفاده از رحم جایگزین صدق نمی کند؛ چراکه اقدام به این عمل از سوی زوج نابارور برای استحکام و تداوم ازدواجشان است که قبل از انجام چنین عملی تحقیق یافته است. مغایرت جانشینی در بارداری با اغراض تشریح ازدواج، نسبت به مادر جانشین نیز عمومیت ندارد و مستلزم تخصیص اکثر است؛ چه اینکه اقدام اکثر مادران جانشین به این عمل دشوار، جنبه ایثارگرایانه دارد و هدف آنان از چنین عملی، یاری زوج نابارور در تداوم زندگی مشترکشان است. نتیجه اینکه جانشینی در بارداری از سوی مادر جانشین برای گریز از ازدواج انجام نمی گیرد، به ویژه اگر مادر جانشین ازدواج کرده باشد و جانشینی چنین زنی نیز جایز باشد؛ بنابراین، به نظر می رسد اقدام به چنین عملی از سوی زوج نابارور و مادر جانشین، با اغراض تشریح ازدواج مغایرت نداشته باشد؛ گرچه ممکن است برخی از این اقسام با اغراض تشریح ازدواج مغایر باشد و اشخاصی با اهداف دیگری به آن اقدام کنند. این موارد را می توان از استثنائات این حکم کلی برشمرد.

۴. قاعده احتیاط در فروج

برخی از فقها با آنکه اصل اولی در شبهات تحریمیّه را «برائت» می دانند، اصل اولی در شبهات تحریمیّه متعلق به فروج را به دلالتی همچون صحیحّه شعیب حدّاد^۱ و

۱. شعیب حدّاد می گوید: به حضرت صادق علیه السلام عرض کردم، مردی از دوستانان به شما سلام می رساند، وی قصد دارد با زنی زیبا که با طلاق غیر مطابق سنت از شوهر سابقش جدا شده است، ازدواج کند. زن نیز با این کار موافق است، ولی آن مرد نمی خواهد بدون اجازه شما به این کار اقدام کند. آیا به او اجازه می دهید؟ حضرت فرمودند: این امر به فرج مربوط می شود که از آن فرزند متولد می گردد. احکام و دستورات در این باره سخت است. در چنین مسئله ای ما احتیاط می کنیم، پس با او ازدواج نکند (حرّ عاملی، بی تا: ۱۹۳/۱۴).

آنکه بی‌مبالاتی نسبت به آنها به اختلاط نسب اشخاص می‌انجامد، «احتیاط»
برشمرده‌اند (حرم‌پناهی، ۱۳۷۶: ۱۴۲؛ یزدی، ۱۳۸۰: ۶۷).

به این استدلال نیز ایرادهایی وارد شده است؛ برای مثال برخی گفته‌اند:

احتیاط، در بسیاری از موارد، خود خلاف احتیاط است. خداوند در قرآن کریم
می‌فرماید: ﴿قُلْ اللَّهُ أَذْنُ لَكُمْ أَمْ عَلَى اللَّهِ تَفْتَرُونَ﴾ (یونس/ ۵۹) این در حالی است که
از دیگر سوی، حکم به جایز نبودن یا بازداشتن مردم از آنچه جایز و حلال است،
آن هم به استناد احتیاط، می‌تواند مصداقی از این آیه باشد (یزدی، ۱۳۸۰: ۶۸).

برخی دیگر بیان کرده‌اند:

اما اشکال عمده این است که با اینکه امام ع همه احکام را می‌داند، چرا احتیاط
می‌کند؟ بنابراین، چاره‌ای جز حمل احتیاط بر استحباب نیست... (حرم‌پناهی، ۱۳۷۶:
۱۴۳).

به نظر می‌رسد با توجه به پیشرفتهای دانش پزشکی در بارداری و علم ژنتیک،
امروزه به خوبی باردار بودن یا نبودن مادر جانشین و همچنین نسب نوزاد متولدشده
از وی با اشخاص محتمل، قابل تشخیص است؛ از این رو، آشفتگی در بارداری،
زمان آن و نسب افراد در بسیاری از موارد ایجاد نمی‌گردد؛ بنابراین، از این جهت،
جایگاه ضرورت استناد به قاعده احتیاط در فروج در زمان حاضر با دگرگونی‌هایی
روبه‌رو شده است و می‌توان در حکم به احتیاط در صورتی که برای آن موضوعیت
متصور نباشد، تأمل بیشتری کرد، مگر آنکه استناد به این حکم، دارای موضوعیت یا
برای موضوع و جهت دیگری جدای از اینها باشد.

ب) حکم جانشینی با باروری مصنوعی

قسم دوم از اقسام مطرح در جانشینی در بارداری، به دلیل ایرادهای وارد به آن در
بحث تقسیمات، خارج از موضوع جانشینی است و دیگر به بررسی آن نیازی نیست.

ج) حکم جانشینی با استفاده از تخمک یا جنین

قسم سوم جانشینی در بارداری نیز از دو مرحله جمع‌آوری اسپرم و تخمک از
زوجهای دیگر یا مردان و زنان بیگانه و بارور کردن آنها با یکدیگر و همچنین بارور

کردن رحم مادر جانشین با تخمک مزبور یا جنین حاصل از آن است.

نفس عمل جمع آوری اسپرم و تخمک از زوجها و مردان و زنان بیگانه مطرح در مرحله نخست از قسم سوم، در صورتی که دارای مقدمات حرامی مانند نگاه یا لمس نامحرم یا خودارضایی نباشد، از نظر فقهی منعی ندارد. همچنین بارور کردن تخمک زن با اسپرم همسرش در خارج رحم همانند آنچه در قسم نخست بیان شد، از نظر فقهی منعی ندارد و در منابع فقهی، دلیلی بر عدم مشروعیت آنها نیست؛ در نتیجه، فقها نیز بنا به عدم وجود دلیل بر حرمت و با استناد به اصل اباحه، آن را جایز دانسته و فتوایی بر حرمت آن نداده‌اند. قانون نحوه اهدای جنین به زوجهای نابارور نیز به جواز باروری تخمک با این شیوه اشاره دارد؛ از این رو، از نظر حقوق نیز منعی وجود ندارد. اما حکم باروری تخمک زن بیگانه با اسپرم مرد بیگانه در خارج از رحم در این مرحله از قسم سوم، موضوع جدیدی است که در قسمهای گذشته وجود نداشت. باروری تخمک زن بیگانه با اسپرم مرد بیگانه در خارج از رحم در صورت دربرداشتن مقدمات حرام، جایز دانسته شده است؛ بدین دلیل که در زمره عناوین محرّمه قرار نمی‌گیرد و هیچ یک از ادلّه عدم جواز پیشین نیز شامل این مورد نمی‌شود (مؤمن، ۱۳۷۶: ۶۷؛ حرم‌پناهی، ۱۳۷۶: ۱۴۸).

مرحله دوم قسم سوم، یعنی بارور کردن رحم زن دومی با تخمک بارور شده یا جنین رشد یافته از آن بدون وجود رابطه زناشویی بین مرد صاحب تخمک و صاحب رحم جانشین، دارای همان حکم مرحله دوم قسم اول است که از تکرار آن خودداری می‌کنیم.

با توجه به وجود فتاوی جواز و عدم جواز درباره بارور کردن رحم زن ثالث با تخمک بارور شده یا جنین رشد یافته، چنین استنباط می‌شود که اشخاصی که فتوای مرجع آنها عدم جواز استفاده از رحم جایگزین بدون وجود رابطه زناشویی بین مرد صاحب اسپرم با مادر جانشین است، به دلیل نامشروع بودن موضوع قرارداد نسبت به آنها، نمی‌توانند نسبت به چنین قراردادی با یکدیگر توافق کنند، اما اشخاصی که فتوای مرجع آنها جواز استفاده از این شیوه است، به دلیل مشروع بودن موضوع قرارداد نسبت به آنها، می‌توانند نسبت به چنین قراردادی با یکدیگر توافق نمایند و

در صورتی که دیگر شرایط صحت قرارداد وجود داشته باشد، قرارداد آنها از جنبه فقهی، صحیح و نافذ، و قانون نیز نسبت به آن ساکت است.

با آنکه فتاوی و استدلالهایی در عدم جواز جانشینی در بارداری وجود دارد، به نظر می‌رسد با توجه به کمیت و کیفیت فتاوی و استدلالهایی که درباره جواز نفس شیوه جانشینی در بارداری وجود دارد، چنین فتوایی نیز ممکن است فتوایی معتبر به شمار رود؛ بنابراین، از نظر مبانی نظام حقوقی ایران، جواز استفاده از رحم جایگزین بدون رابطه زناشویی در شرایط فعلی که قانونی خاص یا رأی وحدت رویه‌ای مخالف درباره آن وجود ندارد، با منعی مواجه نیست و حکم به جواز جانشینی در بارداری در صورت نبود مقدمات حرام، ممکن است خلاف شرع به شمار نرود؛ از این رو، اشخاصی که فتوای مرجع آنها مبنی بر جواز چنین عملی است، به دلیل آنکه با منع شرعی و قانونی روبه‌رو نیستند، می‌توانند نسبت به چنین قراردادی با یکدیگر توافق کنند و آن را منعقد سازند.

البته ممکن است نظر استنباطی برخی قضات به موجب اصل ۱۶۷ قانون اساسی و ماده ۳ آیین دادرسی مدنی، عدم جواز جانشینی در بارداری باشد؛ در نتیجه، به بطلان برخی از این قراردادها حکم دهند، اما این امر به وضعیت مذکور خللی وارد نمی‌کند مگر آنکه به ایجاد رأی وحدت رویه از سوی هیئت عمومی دیوان عالی کشور مبنی بر عدم جواز چنین قراردادی منجر شود.

بهترین راه حل برای موضوع جانشینی در بارداری که موجب یکنواختی فتاوی فقها در جواز استفاده از رحم و جانشینی در بارداری می‌شود و از صدور آرای متناقض محاکم درباره چنین موضوعی نیز جلوگیری می‌کند، این است که مادر جانشین، زنی مجرد باشد و بین مرد صاحب اسپرم با زن ثالث (مادر جانشین) به وسیله عقد نکاح موقت برای مدت کوتاهی، رابطه زناشویی برقرار شود.

نتیجه‌گیری

با توجه به تعریفی که برای جانشینی در بارداری بیان شد، قسم نخست (جانشینی در بارداری) و قسم سوم (جانشینی با استفاده از تخمک یا جنین اهدایی) از تقسیمات

ارائه شده برای جانشینی، داخل در بحث و قسم دوم تخصصاً خارج از بحث است. از سوی دیگر، با آنکه فتاوی و استدلالهایی در عدم جواز جانشینی در بارداری وجود دارد، بر پایه کمیّت و کیفیت فتاوی و استدلالهایی که درباره جواز جانشینی در بارداری مطرح شده است، این امکان برای قانونگذار ایران وجود دارد تا با ارزیابی مصالح، این جانشینی را با پیش‌بینی شرایطی، جایز یا ممنوع بداند؛ بنابراین، می‌توان چنین استنباط کرد که حکم به جواز استفاده از رحم جایگزین در صورتی که دارای مقدمات حرام نباشد، بر پایه مبانی نظام حقوقی ایران ممکن است مغایر با موازین شرع دانسته نشود؛ بنابراین، ممکن است استفاده از جانشینی در بارداری از نظر قانونی جایز باشد، مگر آنکه به دلایل دیگری، قانونی در منع استفاده از این شیوه به تصویب رسد.

البته اشخاصی که فتوای مرجع آنها عدم جواز استفاده از رحم جایگزین بدون وجود رابطه زناشویی بین مرد صاحب اسپرم با مادر جانشین است، به دلیل نامشروع بودن موضوع قرارداد برای آنان، مواجه با منع شرعی هستند و از نظر شرعی نمی‌توانند نسبت به چنین قراردادی اقدام و با یکدیگر توافق کنند.

همچنین ممکن است، نظر استنباطی برخی قضات در شرایط فعلی که قانونی خاص یا رأی وحدت رویه‌ای درباره موضوع جانشینی در بارداری وجود ندارد، با استناد به اصل ۱۶۷ قانون اساسی و ماده ۳ آیین دادرسی مدنی، عدم جواز جانشینی در بارداری باشد؛ در نتیجه، به بطلان برخی از این قراردادها که برای حلّ و فصل اختلاف به آنها ارجاع داده شده است، حکم دهند، اما این امر به وضعیت مذکور خللی وارد نمی‌کند مگر آنکه به ایجاد رأی وحدت رویه از سوی هیئت عمومی دیوان عالی کشور مبنی بر عدم جواز چنین قراردادی منجر شود.

راه حل مناسب برای موضوع جانشینی در بارداری که موجب یکنواختی فتاوی فقها در جواز استفاده از رحم و جانشینی در بارداری می‌شود و از صدور آرای متناقض محاکم درباره چنین موضوعی نیز جلوگیری می‌کند، این است که مادر جانشین، زنی مجرّد باشد و بین مرد صاحب اسپرم با زن ثالث (مادر جانشین) به وسیله عقد نکاح غیر دائم، حداقل برای مدت کوتاهی، رابطه زناشویی برقرار شود.

- آخوندی، محمد مهدی و محمدرضا صادقی، «ضرورت به کارگیری تکنیک‌های باروری کمکی در تولید مثل انسان»، *روشهای نوین تولید مثل انسانی از دیدگاه فقه و حقوق (مجموعه مقالات)*، تهران، سمت و پژوهشکده ابن سینا، ۱۳۸۰.
- «استفتانات و دیدگاههای مذهبی»، در منبع بالا.
- امیری قائم مقامی، عبدالمجید، *حقوق تعهدات*، تهران، نشر میزان، ۱۳۷۸.
- تبریزی، میرزا جواد، *صراط النجای*، دفتر نشر برگزیده، ۱۴۱۶ ق.
- جعفرزاده، میرقاسم، «درآمدی بر مسائل فقهی-حقوقی ART»، *بولتن تولید مثل و نازایی*، پژوهشکده بیولوژی و بیوتکنولوژی تولید مثل و نازایی جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۵، ش ۵، ص ۲.
- همو، «وضعیت فقهی-حقوقی رحم اجنبی جانشین یا Surrogacy»، *بولتن تولید مثل و نازایی*، پژوهشکده بیولوژی و بیوتکنولوژی تولید مثل و نازایی جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۸.
- حرّ عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعی الی معرفی مسائل الشریعه*، احیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.
- حرم‌پناهی، محسن، «تلقیح مصنوعی»، *فقه اهل بیت (علیهم‌السلام)*، سال سوم، ش ۹، بهار ۱۳۷۶؛ سال سوم، ش ۱۰، تابستان ۱۳۷۶.
- خامنه‌ای، سیدعلی، *اجوبی الاستفتاءات*، دار البناء للنشر و التوزیع، ۱۴۱۵ ق.
- خرازی، سیدمحسن، «التلقیح الصناعی و احکامه»، *قراءات فقهی معاصر فی معطیات الطب الحدیث*، بیروت، الغدیر، ۱۴۲۳ ق.
- همو، «تلقیح مصنوعی»، *فقه اهل بیت (علیهم‌السلام)*، سال سوم، ش ۹، بهار ۱۳۷۶؛ سال سوم، ش ۱۰، تابستان ۱۳۷۶.
- خویی، سیدابوالقاسم، *منهاج الصالحین*، چاپ بیست و هشتم، قم، مدینه العلم، ۱۴۱۰ ق.
- روحانی، سیدمحمدصادق، *المسائل المستحدثه*، چاپ چهارم، قم، مؤسسه دار الکتاب، ۱۴۱۴ ق.
- سیستانی، سیدعلی، *منهاج الصالحین*، قم، مکتبه آیه‌الله سیدعلی سیستانی، ۱۴۱۶ ق.
- علامه حلّی، *قواعد الاحکام*، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۳ ق.
- قانون اساسی.
- قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی.
- قانون مدنی.
- قانون نحوه اهدای جنین به زوجین نابارور.
- کاتوزیان، ناصر، *قواعد عمومی قراردادها*، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۴.
- مؤمن، محمد، «سخنی درباره تلقیح»، ترجمه موسی دانش (جعفرزاده)، *فقه اهل بیت (علیهم‌السلام)*، ش ۴.
- همو، «کلمه فی التلقیح»، *کلمات سدید فی مسائل جدیده*، قم، مؤسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۵ ق.
- محقق ثانی، *جامع المقاصد فی شرح القواعد*، مؤسسه آل‌البیته (علیهم‌السلام)، ۱۴۰۸ ق.
- موسوی خمینی، روح‌الله، *تحریر الوسیله*، قم، اسماعیلیان، بی تا.
- نایب‌زاده، عباس، *بررسی حقوقی روشهای نوین باروری مصنوعی «مادر جانشین، اهدای تخمک یا جنین»*، تهران، مجلد، ۱۳۸۰.
- یزدی، محمد، «باروریهای مصنوعی و حکم فقهی آن»، *روشهای نوین تولید مثل انسانی از دیدگاه فقه و حقوق (مجموعه مقالات)*؛ تهران، سمت و پژوهشکده ابن سینا، ۱۳۸۰.

